

## Historical models of elementary school teacher training in Iran

## مدل‌های تاریخی تربیت معلم دوره ابتدایی در ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰)

Mahmoud mohammadi

محمود محمدی<sup>۱</sup>

### Abstract

This article examines the historical models of elementary school teacher training in Iran. From the establishment of Darolmoalemin (1297) to the establishment of Farhangian University (1390), models of elementary school teacher training in Iran have been experienced. Identifying these models provides historical experiences of elementary school teacher education to policymakers and those interested in the teacher education system. The research method in this article is historical. The statistical population included all historical documents related to the field of teacher training and purposive sampling method was used for sampling. Samples were selected from documents that contained relevant data and information to answer the research questions. The data collection method is the documentary method and the data analysis method is the historical exploratory method. By examining the historical documents of the teacher education system in Iran, 7 models of primary school teacher education in Iran can be identified. Darolmoalemin, Preliminary University, Teacher help classes, One-year teacher training, Knowledge Corps, Teacher training centers and Farhangian University. This article deals with the historical necessities of the formation of these models, the method of student admission and the curriculum of these models.

**Keywords:** Models, Teacher training, Elementary school, Curriculum, Admission method, Historical

### چکیده

این مقاله به بررسی تاریخی مدل‌های مختلف تربیت معلم دوره ابتدایی در ایران می‌پردازد. از برپایی دارالمعلمین (۱۲۹۷) تا تاسیس دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۰) مدل‌های مختلفی از تربیت معلم دوره ابتدایی در ایران تجربه شده است. شناسایی این مدل‌ها، تجربه‌های تاریخی تربیت معلم دوره ابتدایی را در اختیار سیاست‌گذاران و علاقه‌مندان به نظام تربیت معلم قرار می‌دهد. روش پژوهش در این مقاله روش تاریخی است. جامعه آماری مشتمل بر تمام اسناد تاریخی مرتبط با حوزه تربیت معلم بوده است و از روش نمونه‌گیری هدف‌دار، برای نمونه‌گیری استفاده شده است. نمونه‌ها، از اسنادی انتخاب شده‌اند که حاوی داده‌ها و اطلاعات مربوط برای پاسخگویی به سوال‌های پژوهش بوده‌اند. روش جمع‌آوری داده‌ها، روش اسنادی و روش تحلیل داده‌ها روش تاریخی اکتشافی است. با بررسی اسناد بر جای مانده از نظام تربیت معلم در ایران می‌توان هفت مدل از تربیت معلم دوره ابتدایی را در ایران شناسایی کرد. دارالمعلمین، دانشسرای مقدماتی، کلاس‌های کمک آموزشی، تربیت معلم یکساله، سپاه دانش، مراکز تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان. در این مقاله به ضرورت‌های تاریخی شکل‌گیری هر یک از این مدل‌ها، شیوه پذیرش دانشجو و برنامه درسی هر یک از این مدل‌ها پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** مدل‌ها، تربیت معلم، دوره ابتدایی، برنامه درسی، شیوه پذیرش، تاریخی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی گروه علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، کرج، ایران. m.mohammadi@cfu.ac.ir

## مقدمه

نظام تربیت معلم ایران در دوره صد ساله خود با تحولات فراوانی روبه رو بوده، اما متأسفانه تحقیقات اندکی در باره تاریخچه تربیت معلم صورت گرفته است. به جرأت می‌توان گفت کتاب جدی‌ای در زمینه تاریخ تربیت معلم در ایران تالیف نشده است و اندک تحقیقاتی که در باب تاریخچه تربیت معلم انجام شده است از چند کتاب و مقاله تجاوز نمی‌کند. یکی از کتاب‌های منتشر شده در این زمینه، «تاریخ تربیت معلم در ایران» نوشته مشایخی (۱۳۵۵) رئیس وقت دانشگاه تربیت معلم است. این کتاب گزارشی از تاریخ تربیت معلم از دارالفنون تا سپاه دانش است. نویسنده در این کتاب، به سیر تاریخی تربیت معلم پرداخته و در این گزارش تاریخی، مدل‌های مختلف تربیت معلم در ایران را به اختصار توضیح داده است. کتاب دیگر، کتاب «سیر تحول و گسترش تربیت معلم در ایران» نوشته خوی‌نژاد (۱۳۵۵) است که به تاریخ تربیت معلم از دارالمعلمین تا دانشگاه تربیت معلم پرداخته است و تحولات تربیت معلم و مدل‌های مختلف تربیت معلم دوره ابتدایی و متوسطه را توضیح داده است. از دیگر منابع مکتوب، کتاب «بررسی وضع تربیت معلم دوره ابتدایی» است که از سوی گروه‌های آموزش‌های عمومی و حرفه‌ای (۱۳۵۴) تهیه و تدوین شده است و در آن، آمار بسیار دقیقی از تعداد مراکز تربیت معلم و تعداد دانشجویان و اساتید دوره ابتدایی از سال تأسیس دارالمعلمین تا سپاه دانش ارائه شده است. تنها کتاب قابل ملاحظه بعد از انقلاب کتاب احمد صافی (۱۳۹۱) با عنوان «تربیت معلم در ایران، ژاپن، مالزی، آلمان، انگلستان، هند و پاکستان» است که به تحولات تاریخی تربیت معلم در ایران پرداخته و به مقایسه تربیت معلم در ایران و کشورهای دیگر اشاره داشته است. از مقاله‌های قابل اعتنا در این زمینه، مقاله صافی (۱۳۸۲) با عنوان «تربیت و تامین معلم در ایران (گذشته، حال و آینده)» است که گزارشی از چگونگی شکل‌گیری مراکز تربیت معلم در ایران و توصیفی از سیر تحول تربیت معلم در ایران است.

بیش از صد سال از تأسیس اولین مرکز تربیت معلم (دارالمعلمین، ۱۲۹۷) در ایران می‌گذرد. از آن زمان تاکنون، مدل‌های مختلف تربیت معلم دوره ابتدایی طراحی و اجرا شده است، اما شوربختانه پژوهش‌هایی که به فرایند تاریخی تربیت معلم در ایران پرداخته‌اند به تعداد انگشتان دست نیز نمی‌رسد. مهمترین نقدی که می‌توان بر پژوهش‌های پیشین وارد کرد این است که این پژوهش‌ها، به شرایط تاریخی-اجتماعی و ضرورت‌های تربیتی که باعث شکل‌گیری مدل‌های مختلف تربیت معلم شده است، نپرداخته‌اند و به شیوه و شرایط گزینش دانشجو و برنامه‌های درسی مراکز مختلف تربیت معلم اشاره‌ای نداشته و یا به اختصار از آن‌ها گذشته‌اند. این در حالی است که سیاست‌گذاران تربیت معلم در برهه‌های مختلف تاریخی، بر اساس مقتضیات اجتماعی و تربیتی، مدل‌های گوناگونی را برای تربیت معلم طراحی و اجرا کرده‌اند. هر گونه سیاست‌گذاری در حوزه تربیت معلم بدون توجه به تجربیات تاریخی و مدل‌هایی که به اجرا در آمده است می‌تواند به اتلاف انرژی و هزینه منجر شود. همان‌گونه که سیاست‌گذاران تربیت معلم

در برنامه‌ریزی‌های تربیتی به تجربیات جوامع دیگر در حوزه تربیت معلم توجه و تاکید دارند، همان توجه و دقت، در تجربیات تاریخی و گذشته تاریخی این نهاد در جامعه ایران نیز ضروری و اجتناب ناپذیر است. شناخت عمیق سابقه و گذشته موضوعی همچون تربیت معلم، آنرا روشن‌تر می‌سازد و به تصمیم‌گیری در باره زمان حال کمک می‌کند. «اطلاعات تاریخی به درک زمان حال استحکام می‌بخشد و ممکن است راهنمای آینده باشد» (التون، ۱۳۸۶/۱۹۳۱، ص. ۴۸). بر این اساس، آشنایی با مدل‌های مختلف تربیت معلم دوره ابتدایی در تاریخ صد ساله تربیت معلم ایران می‌تواند اطلاعات تاریخی را در اختیار برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران کلان تربیت معلم بگذارد تا در سیاست‌گذاری‌های تربیتی خود از تجربیات تاریخی تربیت معلم در ایران نیز بهره ببرند.

با درک این ضرورت، هدف پژوهش حاضر، بررسی تاریخی نظام تربیت معلم دوره ابتدایی در ایران است. در این پژوهش تاریخی، مدل‌های مختلف تربیت معلم دوره ابتدایی که به اجرا در آمده است، بررسی می‌شود. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی در این است که در این پژوهش، تاکید بر شرایط تاریخی - اجتماعی و ضرورت‌های تربیتی‌ای است که به شکل‌گیری این مدل‌ها در نظام تربیت معلم ایران منجر شده و نیز چگونگی پذیرش دانشجو و برنامه‌های درسی، در هر یک از مدل‌های مختلف تربیت معلم بررسی گردیده است. آگاهی از ضرورت‌های تربیتی، شیوه پذیرش دانشجو و برنامه درسی هر یک از این مدل‌ها می‌تواند درک و فهمی گسترده و تاریخی از فرایند تربیت معلم دوره ابتدایی در اختیار علاقه‌مندان به تربیت معلم قرار دهد. این پژوهش قصد دارد به اکتشاف و بازسازی این مدل‌ها پرداخته و ضرورت‌های تاریخی - اجتماعی و ضرورت‌های تربیتی و آموزشی را که منجر به شکل‌گیری و تغییر این مدل‌ها شده است را تشریح نماید. این مقاله به این سوال کلی پاسخ خواهد داد که نظام تربیت معلم دوره ابتدایی از دارالمعلمین تا دانشگاه فرهنگیان چه مدل‌هایی را تجربه کرده است؟ و در ذیل این سوال کلی به این سوالات پاسخ داده می‌شود که ۱- شیوه‌های پذیرش دانشجو در هر یک از این مدل‌ها چگونه بوده است؟ ۲- برنامه درسی، در هر یک از مدل‌های تربیت معلم ابتدایی چگونه بوده است؟ ۳- این مدل‌ها در چه بستر اجتماعی سیاسی و در پاسخ به کدام ضرورت‌های تربیتی و آموزشی شکل گرفته اند؟

### روش‌شناسی پژوهش

موضوع مورد مطالعه در این پژوهش، از نوع موضوعات تاریخی بوده است. در پژوهش‌های تاریخی، موضوعات مورد بررسی از نوع موضوعات منحصر به فرد هستند (ساعی، ۱۳۸۶ ص. ۱۳۵)، به عبارت دیگر، وقایع تاریخی یک بار در تاریخ اتفاق افتاده و تکرار پذیر نیستند. مطالعات تاریخی، مطالعه آثاری است که در حال حاضر از گذشته باقی مانده است تا بتوان بر اساس این آثار، گذشته را بازسازی کرد. بنابراین ملاک اصلی شواهد موجودند نه آنچه در گذشته به وقوع پیوسته است (التون، ۱۳۸۶/۱۹۳۱، ص. ۲۰). بدین ترتیب هدف پژوهش تاریخی، به کار بردن داده‌های مربوط به واقعیت‌های مرتبط با

رویدادهای گذشته و تفسیر آن‌ها است و از این طریق می‌توان به عوامل موثر در بروز وقایعی که در گذشته رخ داده است پی برد و رویدادهای زمان حال را بهتر شناخت (سرمد و همکاران، ۱۳۹۸ ص. ۱۲۲). این پژوهش با این مساله آغاز شده است که در تاریخ صد ساله نظام تربیت معلم، چه مدل‌هایی از تربیت معلم دوره ابتدایی به اجرا در آمده است. دوره زمانی این پژوهش از برپایی دارالمعلمین (۱۲۹۷) تا تاسیس دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۰) بوده است. روش گردآوری شواهد در این پژوهش، روش اسنادی<sup>۱</sup> است. باید توجه داشت که در تحقیق تاریخی، پژوهشگر به دنبال یافتن داده‌های موجود است که با استفاده از گزارش‌های رسمی، اسناد، مدارک، کتاب‌ها، مقالات و آثار باقی مانده از گذشته درباره موضوع مورد مطالعه انجام می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۹۸ ص. ۱۲۳). بنابراین در این پژوهش، جامعه آماری مشتمل بر تمام اسناد و مدارک رسمی و غیر رسمی مرتبط با حوزه تربیت معلم بوده است و از روش نمونه‌گیری هدفدار، برای نمونه‌گیری استفاده شده است. نمونه‌ها، از اسنادی انتخاب شده‌اند که حاوی داده‌ها و اطلاعات مربوط برای پاسخگویی به سه سوال اصلی پژوهش بوده‌اند. با این هدف و با بهره‌گیری از روش تاریخی - توصیفی، اسناد تاریخی مربوط به بازه زمانی دارالمعلمین تا دانشگاه فرهنگیان، جمع‌آوری و مقوله‌بندی گردیده و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. این اسناد، مشتمل بر همه متن‌های تاریخی گوناگون همچون قوانین، اساسنامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، کتاب‌های تاریخی، مجلات تربیتی، زندگی‌نامه‌ها، گزارش‌ها و پژوهش‌ها بوده است. در انتخاب اسناد، تلاش شده است تا چهار معیار مورد نظر اسکات<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) یعنی اصالت، اعتبار، نمایا بودن و معناداری رعایت شود (ص. ۶). بر اساس این اسناد تاریخی، تلاش شده است تا مدل‌های مختلف تربیت معلم دوره ابتدایی در ایران، کشف و بازسازی شوند. اعتبار<sup>۳</sup> این روایت تاریخی از تجربه صد ساله تربیت معلم دوره ابتدایی در ایران، به اعتبار اسنادی است که ارائه شده است. اعتبار درونی پژوهش مبتنی بر اسناد رسمی و غیر رسمی دست اولی است که به ثبت رسیده و منتشر شده است و اعتبار بیرونی پژوهش بر اساس دیدگاه متخصصان تربیتی و صاحب‌نظران تاریخی است که این پژوهش تاریخی را مورد داوری و نقد قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، تلاش شده است تا با استناد به اسناد دست اول، موثق، دقیق، و رسمی؛ روایتی معتبر، قانع‌کننده و مستدل از مدل‌های تاریخی تربیت معلم دوره ابتدایی در ایران ارائه شود.

### یافته‌های پژوهش

در سیر تاریخی اسناد بر جای مانده از نظام تربیت معلم، هفت مدل تربیت معلم دوره ابتدایی را می‌توان شناسایی نمود. این مدل‌ها عبارتند از دارالمعلمین (۱۲۹۷)، دانشسرای مقدماتی (۱۳۱۲)، کلاس‌های کمک آموزگاری (۱۳۲۲)، تربیت معلم یکساله (۱۳۳۸)، سپاه دانش (۱۳۴۲)، مراکز تربیت معلم

1. Documentary method  
2. Scott  
3. Validity

(۱۳۶۲) و دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۰). در ادامه به بررسی شرایط تاریخی - اجتماعی ظهور هر یک از این مدل‌ها، شیوه پذیرش دانشجو و نیز برنامه درسی در هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱- دارالمعلمین (۱۲۹۷)

تا پیش از مشروطیت، نهاد مشخصی برای تربیت معلم در ایران وجود نداشت. با وقوع مشروطیت (۱۲۸۵) و تصویب "قانون اساسی فرهنگ" (۱۲۹۰)، تربیت معلم تحت نظارت دولت قرار گرفت و بر اساس ماده ۱۰ این قانون، کسانی می‌توانستند در مدارس به عنوان معلم به آموزش بپردازند که تصدیق‌نامه معلمی از وزارت معارف دریافت می‌داشتند (مجلس شورای ملی، ۱۲۹۰). اگر چه در قانون اساسی فرهنگ، تربیت معلم به دولت واگذار شد اما با وقوع برخی حوادث در سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۷، این اقدام ممکن نشد. شورش‌های داخلی و پراکندگی نیروهای اجتماعی سیاسی، نبود دولت مرکزی مقتدر و عمر کوتاه دولت‌ها و تغییرات سریع دولتمردان، محدودیت‌های مالی، و در نهایت وقوع جنگ جهانی اول مانع از آن شد که وزارت معارف، بر اساس قانون و برنامه معینی به سروسامان دادن تربیت معلم بپردازد (یغمایی، ۱۳۷۵ ص. ۱۷۸). با سرکوب شورش‌های داخلی و اتمام جنگ جهانی اول و برقراری ثبات نسبی کوتاه مدت، دولت وثوق‌الدوله (۱۲۹۷) اداره مملکت را بر عهده گرفت. «در دولت وثوق‌الدوله، نصیرالدوله بدر به وزارت معارف انتخاب شد. در این دوره، به دلیل ثبات نسبی سیاسی و توجه دولت به وضعیت معارف، تعداد ۳۰ باب دبستان مجانی، ۲ تا ۴ کلاسه، ۱۰ باب مدرسه دخترانه و ۹ باب دبیرستان یک یا دو کلاسه در تهران و چندین مدرسه ابتدایی در شهرستان‌ها دایر شد» (یغمایی، ۱۳۷۵ ص. ۱۸۰). اما یکی از مسائل مهمی که "وزارت نصیرالدوله بدر" در گسترش کمی مدارس با آن مواجه شد "کمبود معلم" بود. بنابراین در سال ۱۲۹۷، برپایی دارالمعلمین در دستور کار دولت قرار گرفت. «ثبات نسبی سیاسی و توسعه کمی مدارس و نیز افزایش شمار دانش‌آموزان در دوره وزارت نصیرالدوله بدر، وزارت معارف را ناچار به برپایی مرکزی برای تربیت معلمان ساخته بود. دارالمعلمین در سال ۱۲۹۷ شمسی تاسیس شد و برای اولین بار تربیت معلم به طور رسمی در یک مرکز آموزشی در دستور کار دولت قرار گرفت» (صدیق، ۱۳۵۴ ص. ۳۶۹).

هدف از تاسیس دارالمعلمین، تربیت معلم برای مدارس ابتدایی و متوسطه کل کشور ذکر شده است. در ماده اول این اساسنامه آمده است که «مقصود از تاسیس دارالمعلمین، تهیه دو قسم معلم برای مدارس تهران و ولایات است.» این مدرسه مجانی و دولتی بوده و شاگردان از پرداخت شهریه معاف بودند. شرایط داوطلبان برای شرکت در این مدرسه عبارت بود از:

۱) داوطلبان نباید از ۱۵ سال کمتر و از بیست سال بیشتر داشته باشند. ۲) محصلین دارای امراض مسریه نبوده و جدیداً تلقیح شده باشد. ۳- داوطلبان دخول (ورود) در دارالمعلمین باید تصدیق‌نامه‌ای بر حسن اخلاق از مدرسه‌ای که در آنجا تحصیل کرده، داشته باشد. ۴- تصدیق‌نامه رسمی دوره ابتدایی

برای داوطلبان معلمی ابتدایی و داشتن معلومات دوره اول متوسطه برای داوطلبان معلمی مدارس متوسطه شرط خواهد بود. ۵- داوطلبان باید در امتحان مسابقه دخیلیه (کنکور) قبول شوند. ۶- هر محصلی باید تعهدنامه به امضای خود و ولی خود یا معرفی به وزارت معارف بسپارد که پس از اتمام تحصیل تا پنج سال موظف هستند در مدارس که وزارت معارف معین می‌کند تدریس نمایند و چنانچه بخواهد خدمت خارجی در ظرف این مدت قبول نماید باید با اجازه کتبی وزارت معارف باشد. در صورت تخلف، باید محصل مخارج مدت تحصیل خود را از قرار سالی بیست و پنج تومان به وزارت معارف بپردازد (وزارت معارف و اوقاف، ۱۲۹۷).

نکته‌ای که در مورد پذیرش دانشجو در دارالمعلمین قابل توجه است این است که برخلاف مدرسه دارالفنون (۱۲۳۰) و مدرسه سیاسی (۱۲۷۸) و سایر مدارس دولتی آن دوران که تنها فرزندان کارگزاران سیاسی و رجال شناخته شده می‌توانستند در آنها به تحصیل بپردازند، در دارالمعلمین این محدودیت پذیرش دانشجو وجود نداشت. هر شاگردی که از مدارس جدید فارغ‌التحصیل شده بود می‌توانست در امتحان ورودی این مدرسه شرکت کرده و در صورت قبولی به تحصیل در شغل معلمی بپردازد و بلافاصله در یکی از مدارس دولتی به عنوان معلم مشغول به کار شود. این برای اولین بار بود که یک موسسه آموزشی دولتی، فارغ از تبعیضات سیاسی و اجتماعی، به گزینش دانشجو برای مشاغل دولتی اقدام می‌کرد. مدت تحصیل برای معلمی در دارالمعلمین دوره ابتدایی دو سال بود که برنامه درسی آن در جدول ۱ نمایش داده شده است.

#### برنامه درسی دارالمعلمین دوره ابتدایی (وزارت معارف و اوقاف، ۱۲۹۷)

| برنامه درسی        | انواع دروس   |
|--------------------|--|
| دروس نظری          | زبان فارسی، حسن خط و سایر دروس تکمیل کننده دوره متوسطه همچون تاریخ، جغرافیا، طبیعیات، حساب و السنه خارجی (زبان خارجی)  |
| دروس مهارتی        | تجربیات عملی فیزیک، شیمی و طبیعی؛ کارهای یدی؛ ساختن اشکال هندسی با کاغذ و مقوا؛ نجاری، آهنگری، گچ‌بری و باغبانی؛ و ژیمناستیک                                       |
| دروس تربیتی و عملی | اصول تدریس علمی در دارالمعلمین و عملی در مدارس؛ گردش‌های علمی در کارخانجات، مدارس، باغ‌ها و مزارع؛ و نیز جمع‌آوری کلکسیون‌های نباتات و حشرات برای استفاده در تدریس |

آنچه در برنامه درسی دارالمعلمین قابل توجه و تأکید می‌باشد این است که دانشجویان در کنار دانش‌های دینی و ادبی چون فقه و عربی، زبان فارسی و دستور خط؛ علوم جدیدی چون طبیعیات، شیمی و فیزیک، تاریخ و جغرافیا را نیز فرا می‌گرفتند. علاوه بر دانش‌های نظری، دانشجویان باید مهارت‌هایی چون باغبانی، نجاری، آهنگری و گچ‌بری نیز می‌آموختند و برای درک بهتر مفاهیم و آموخته‌های نظری، در بازدیدهای علمی شرکت می‌کردند. همچنین، داوطلبان علاوه بر دروس نظری و مهارتی، بایستی دوره‌های

عملی- تربیتی را نیز در مدارس می‌گذراندند. بدین منظور، دو کلاس ابتدایی ۴۰ نفره ضمیمه دارالمعلمین شده بود تا محصلین بتوانند آموخته‌های تربیتی خود را در این مدرسه زیر نظر مدرسین به صورت عملی به اجرا گذارند.

در آخر هر سال تحصیلی، ارزشیابی کتبی و شفاهی از مواد تدریس شده به عمل می‌آمد. برای فارغ‌التحصیل شدن از دارالمعلمین و گرفتن "تصدیق‌نامه معلمی"، دانشجویان باید در امتحان نظری و عملی نهایی قبول می‌شدند. امتحان نهایی دارالمعلمین از این قرار بود: ۱) نوشتن یک رساله علمی یا ادبی یا اخلاقی مشتمل بر اصول تدریس. ۲) یک ساعت تدریس با حضور ممتحنین در یکی از کلاس‌های ششگانه ابتدایی. «معلمینی که دو سال تحصیل کرده‌اند بعد از گرفتن تصدیق‌نامه، حق تدریس معلمی در دوره اول ابتدایی خواهند داشت» (وزارت معارف و اوقاف، ۱۲۹۷). شرط گرفتن صلاحیت معلمی از دارالمعلمین، موفقیت در امتحان نهایی بود.

تفاوت اساسی دارالمعلمین با سایر مدارس دولتی آن زمان این بود که در این مدرسه، برای اولین بار آموزش‌های تخصصی چون علوم تربیتی را به محصلین آموزش می‌دادند و دانشجویان موظف بودند که دانش‌هایی چون علوم تربیتی، روان‌شناسی، فن تدریس و تعلیم را از مدرسان خود فرا بگیرند و در فعالیت‌های عملی خود در مدارس به کار بندند. در واقع، فراگیری همین دانش‌ها و مهارت‌ها بود که دارالمعلمین را بعنوان اولین نهاد تخصصی تربیت معلم از دیگر مدارس و آموزشکده‌های دولتی متمایز می‌ساخت.

## ۲- دانشسرای مقدماتی

آشفستگی‌ها و هرج و مرج‌های سیاسی-اجتماعی سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۹، دخالت‌های بیگانگان در امور داخلی، و نوجوانی و ناپختگی احمد شاه قاجار، ضرورت برپایی یک دولت مقتدر مرکزی را در میان برخی از نیروهای اجتماعی و سیاسی مطرح ساخت. با توجه به این شرایط، زمینه‌های کودتای ۱۲۹۹ فراهم شد و پس از مدتی رضاخان با حمایت‌های سیاسی برخی از نیروهای داخلی و خارجی به عنوان وزیر جنگ، نخست وزیر و سپس به پادشاهی ایران رسید. بسیاری از نیروهای فرنگ رفته، فارغ‌التحصیلان دارالفنون و معلمان دارالمعلمین و مدرسه سیاسی، از حامیان سلطنت رضا شاه در ایران بودند و با تشکیل انجمن‌ها و احزاب ایران جوان و حزب تجدد، نقش مهمی در به سلطنت رساندن رضاه شاه داشتند (سیاسی، ۱۳۶۶ ص. ۷۷ و صدیق، ۱۳۵۴ ص. ۱۶۸). با تثبیت دولت پهلوی اول، اقداماتی در زمینه‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی به اجرا درآمد «در زمینه آموزشی، سیاست دولت رضا شاه مبتنی بر تمرکز، ناسیونالیسم و تجدد بود» (ماتی، ۱۳۸۳/۱۹۹۹، ص. ۱۸۶). ثبات سیاسی نسبی، استقرار نظام مالیاتی منظم، فروش نفت، و انضباط اداری و مالی منجر به افزایش توان اقتصادی دولت برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های نظامی، فرهنگی و اجتماعی شد. در چنین شرایطی، امکان سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های

آموزشی و تربیتی نیز فراهم شد. با ورود فارغ التحصیلان علوم تعلیم و تربیت جدید در مراکز تربیتی و وزارت فرهنگ و نیز گسترش مدارس ابتدایی و متوسطه در سراسر مملکت، لزوم توجه به تأمین و تربیت معلم در دستور کار دولت و وزارت فرهنگ قرار گرفت. بر این اساس، برخی از متخصصان تربیتی موظف شدند که قانونی برای سازماندهی نظام تربیت معلم در ایران بنویسند. در سال ۱۳۱۲، برای اولین بار قانونی با عنوان قانون تربیت معلم نوشته شد و به موجب آن، دولت مکلف شد هر ساله تعدادی دانشسرای مقدماتی در تهران و ولایات دیگر تاسیس کند. بر اساس این قانون، از آن پس، مدرسه ابتدایی دبستان و معلم آن آموزگار نامیده می‌شد. سیاست‌گذاران تربیتی هدف از برپایی دانشسرای مقدماتی را این چنین بیان می‌دارند: (۱) اكمال معلومات عمومی شاگردان، (۲) تربیت نمودن و آماده ساختن آن‌ها برای فن آموزگاری (وزارت فرهنگ، ۱۳۱۲).

شرایط پذیرش دانشجو در دانشسرای مقدماتی به این شرح بود: (۱) تصدیق‌نامه رسمی سه ساله اول متوسطه، (۲) حداقل ۱۶ سال و حداکثر ۲۱ سال سن، (۳) تصدیق حسن اخلاق از مدرسه‌ای که قبلاً در آنجا بوده‌اند، (۴) تصدیق صحت مزاج از کمیونی مرکب از سه نفر طیب به انتخاب وزیر معارف، (۵) سپردن تعهدنامه با تصدیق ولی خود دایر بر رعایت قانون تربیت معلم و نظام‌نامه اجرای آن قانون و نظامات داخلی دانشسرا. به منظور اطمینان از سلامت جسمانی داوطلبان برای ایفای نقش معلمی، بایستی قبل از ورود به دانشسرا مورد آزمایش‌های پزشکی قرار می‌گرفتند و سلامت جسمانی آن‌ها توسط کمیون طبی تأیید می‌شد.

دانشسرای مقدماتی، شبانه‌روزی و همه روزه به استثنای روزهای تعطیل از ساعت ۸ صبح تا ۷/۳ عصر دایر بود. دانشجویان به عنوان کارمند دولت به حساب می‌آمدند و در تمام این مدت باید در دانشسرا حاضر باشند و هزینه‌هایی چون خوراک با دولت بود. مدت زمان تحصیل در دانشسرای مقدماتی دو سال تمام و دانشجویان موظف بودند در طی شبانه‌روز، ۵ ساعت را به امور فردی چون نظافت، تغذیه و ورزش بپردازند و ۵ ساعت به مطالعه، پژوهش و تدریس در دبستان‌های ضمیمه دانشسرا اختصاص دهند.

برنامه درسی دانشسرای مقدماتی در مقایسه با برنامه درسی دارالمعلمین دوره ابتدایی تفاوت‌های اساسی داشت. توزیع دروس دانشسرای مقدماتی در جدول ۲ نشان داده شده است.

مواد درسی سال‌های اول و دوم دانشسراهای مقدماتی (صافی، ۱۳۹۱)

| سال دوم | سال اول | مواد درسی  |
|---------|---------|--|
| -       | ۲       | علم النفس و منطق از لحاظ تربیت و اصول تعلیم و تربیت علمی و عملی  |
| ۲       | -       | علم الاجتماع از لحاظ اخلاق و تربیت و اصول علم اخلاق و اصول دیانت |
| ۴       | ۴       | فارسی  |

|      |      |                                 |
|------|------|---------------------------------|
| ۲    | ۲    | عربی                            |
| ۴    | ۴    | زبان خارجی                      |
| ۲    | ۳    | تاریخ و جغرافیا                 |
| ۲    | ۴    | ریاضی                           |
| ۳    | ۳    | فیزیک و شیمی و کار در آزمایشگاه |
| ۲    | ۲    | تاریخ طبیعی                     |
| -    | ۱    | حفظ‌الصحه                       |
| ۱/۵  | ۱/۵  | نقاشی و رسم                     |
| ۲    | ۲    | موسیقی و سرود                   |
| ۱    | ۲    | تربیت بدنی                      |
| ۲    | ۲    | کارهای دستی و فلاحتی            |
| ۲    | ۲    | قرائت شخصی                      |
| ۵    | ۳    | عملیات خارج از برنامه           |
| ۳۶/۵ | ۳۷/۵ | جمع                             |

ساعات دروس در دانشسراها، اعم از اینکه روزانه یا شبانه‌روزی باشند باید طوری تقسیم شود که غیر از موسیقی، نقاشی، ورزش، کارهای دستی، قرائت و فعالیت‌های خارج از برنامه؛ سایر درس‌ها بیش از چهار ساعت در روز تدریس نشود. هر یک از دانشسراها یک دبستان ضمیمه دارد که محصلین سال دوم، تدریس آن را عهده‌دار خواهند بود. دبستان ضمیمه توسط یک مدیر و آموزگاران مجرب با مشورت رئیس دانشسرا اداره می‌شود. محصلین سال دوم دانشسرا، تحت نظر و راهنمایی مدیر و آموزگاران مزبور به تدریس و تمرین در این مدارس می‌پردازند. هر یک از محصلین سال دوم دانشسرا، باید لااقل ۴۰ نیمه روز در دبستان ضمیمه تدریس نمایند. تقسیم شاگردان سال دوم دانشسرا برای تدریس و تمرین در دبستان ضمیمه باید از طرف رئیس دانشسرا و مدیر دبستان به قسمی ترتیب داده شود که محصلین مزبور حتی‌الامکان از تعقیب درس دانشسرا باز نمانند و ضمناً انجام برنامه دبستان بواسطه حذف یا تکرار مطالب دچار وقفه و اختلال نگردد. فقط نصف وقت اداره هر کلاس دبستان ضمیمه باید به محصلین دانشسرای مقدماتی محول شود (وزارت معارف و اوقاف، ۱۳۱۲).

علاوه بر دروس نظری و عملی، هفته‌ای یک بار، درس انتقادی برای تمرین در دانشسرا تشکیل می‌شود و آن عبارت از درسی که به عده‌ای از شاگردان دبستان ضمیمه که برای همین مقصود به دانشسرا هدایت شده‌اند، داده می‌شود. یا کنفرانسی است که در موضوع‌های طریقه تدریس و انتظامات و کیفیت اداره مدرسه و انتقاد یکی از کتب کلاسی و نظایر آن ایراد می‌گردد. درس‌گوینده یا کنفرانس‌دهنده یکی از

محصلین سال دوم دانشسرا خواهد بود. معلمین مجرب قسمت مربوط و مدیر دبستان ضمیمه و شاگردان سال دوم دانشسرا در این مجلس حاضر بوده و محصلین دانشسرا نظریات انتقادی خود را که تشخیص ارزش آن‌ها با مدیران و معلمین حاضر می‌باشد، اظهار خواهند کرد (وزارت معارف و اوقاف، ۱۳۱۲). فعالیت‌های مهارتی نیز در برنامه دانشسراها گنجانده شده بود. در دانشسراهای دخترانه، دروس خانه‌داری باید عملاً مورد تمرین واقع شده و شاگردان به طبخ، رختشویی، اطو کشی و اعمال مربوط به حفظ‌الصحه و باغبانی می‌پرداختند. باز دیدهای علمی هم در برنامه‌های دانشسرا پیش‌بینی شده بود. بعد از ظهرهای دوشنبه، شاگردان دانشسرا یک یا چند دسته شده و تحت نظر و هدایت یک یا چند نفر از اولیا و معلمین مدرسه، برای دیدن موسسات صنعتی، فلاحی، موزه‌ها و غیر آن، به گردش و سیاحت می‌رفتند. به دلیل حمایت‌های دولت و سیاست‌گذاران تربیتی، دانشسرای مقدماتی، مدل غالب تربیت معلم ایران از ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۷ بود. با وجود افت‌وخیزهای فراوان، این مدل تربیت معلم تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تداوم داشت و توانست معلمان زیادی را تربیت کرده و وارد نظام آموزشی کند.

### ۳- کلاس‌های کمک آموزشی

در سال ۱۳۲۰، دولت رضا شاه پهلوی با دخالت دولت‌های روس و انگلیس کنار گذاشته شد و پهلوی دوم به سلطنت رسید. در اوایل دهه ۱۳۲۰، با سقوط دولت رضا شاه و نیز به دلیل دخالت بیگانگان و درگیری‌های سیاسی احزاب مختلف، شرایط سیاسی و اجتماعی مناسبی برای سازماندهی به امر تعلیم و تربیت مهیا نبود. با این وجود، برخی از فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی که به دستگاه دولتی راه یافته بودند، بر سیاست‌های تربیتی و آموزشی آن دوران تاثیرگذار بودند (صدیق، ۱۳۴۰). این نیروهای سیاسی آموزشی، مهمترین مساله کشور را گسترش سواد عمومی دانسته و به دنبال اجرای قانون تحصیلات اجباری در میان تمام کودکان واجب‌التعلیم بودند (سیاسی، ۱۳۸۶). براساس تلاش همین نیروها بود که قانون تعلیمات اجباری در سال ۱۳۲۲ تصویب و به اجرا گذارده شد. یکی از شرایط اجرای این قانون، گسترش مدارس و افزایش تعداد معلمان بود. دانشسراهای مقدماتی امکان تربیت این میزان معلم برای اجرای قانون تحصیلات اجباری در سراسر کشور را نداشتند. بدین ترتیب طرح کلاس‌های کمک آموزشی توسط بخشی از سیاست‌گذاران تربیتی طراحی و اجرا شد و هدف از اجرای این مدل تربیت معلم، تامین معلم در شهرهایی بود که فاقد دانشسراهای مقدماتی بودند.

داوطلبان ورود به کلاس‌های کمک آموزشی بایستی شرایط زیر را دارا باشند. ۱) داشتن گواهینامه شش ساله ابتدایی یا سه ساله اول متوسطه، ۲) تصدیق نامه حسن اخلاق از آموزشگاهی که قبلاً در آن تحصیل کرده بودند، ۳) دارای گواهینامه صحت مزاج و عدم ابتلا به امراض مسریه، ۴) داشتن حداقل سن ۱۶ سال برای ورود به کلاس اول و ۱۷ سال برای ورود به کلاس دوم (وزارت فرهنگ، ۱۳۲۲). دوره کلاس‌های کمک آموزشی برای دانشجویان با مدرک سوم متوسطه، یک ساله بود و برنامه

درسی این کلاس‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران تربیتی و برپاکنندگان این مدل تربیت معلم، به اصول و فنون معلمی توجه بیشتری داشته‌اند (جدول ۳).

#### برنامه درسی کلاس‌های کمک‌آموزگاری (وزارت فرهنگ، ۱۳۲۲)

| مواد تحصیلی                    | ساعات تدریس در هفته |
|--------------------------------|---------------------|
| روان‌شناسی                     | ۳                   |
| اصول آموزش و پرورش             | ۵                   |
| روش تدریس الفبا                | ۱                   |
| روش تدریس زبان فارسی           | ۱                   |
| روش تدریس تاریخ و جغرافیا      | ۱                   |
| روش تدریس ریاضیات              | ۱                   |
| روش تدریس علم‌الاشیاء و بهداشت | ۱                   |
| روش تدریس نقاشی و رسم          | ۱                   |
| روش تدریس شرعیات               | ۱                   |
| ورزش آموزگاری                  | ۵                   |
| ورزش                           | ۶                   |
| جمع                            | ۲۶                  |

مدل کلاس‌های کمک‌آموزگاری با هدف اجرای قانون تعلیمات اجباری تهیه و طراحی شد اما به دلیل شرایط سیاسی موجود آن زمان، عدم ثبات دولت‌ها، عدم توجه گروه‌ها و نیروهای سیاسی فعال به امر تربیت معلم، و نیز کمبود منابع مالی و انسانی تداوم چندانی نداشت و در سال‌های بعد، به تدریج به تعطیلی و انحلال کشیده شد. به این ترتیب، نظام تربیت معلم به همان مدل دانشسرای مقدماتی به حیات خود ادامه داد.

#### ۴- تربیت معلم یکساله

در اواخر دهه ۱۳۳۰، معلمانی که در دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ به طور گسترده‌ای به استخدام آموزش و پرورش در آمده بودند در آستانه بازنشستگی قرار داشتند بنابراین در آینده‌ای نه چندان دور، کشور با کمبود شدید معلم روبه‌رو می‌شد. سیاست‌گذاران تربیتی تصمیم گرفتند دگرگونی بنیادی در سازمان و نحوه تربیت معلم پدید آورند. در سال ۱۳۳۸، تصمیم گرفته شد که دانشسرای مقدماتی منحل و تربیت معلم یکساله ایجاد شود. اخذ این تصمیم بدان جهت بود که تربیت معلم مورد نیاز از طریق دانشسرای مقدماتی در مقایسه با تربیت معلم یکساله به مدت زمان طولانی‌تری احتیاج داشت. از سوی دیگر، ایجاد دانشسرای مقدماتی جدید به علت شبانه‌روزی بودن آن‌ها، متضمن مخارج بیشتری بود و یافتن محل‌های مناسب

جهت ایجاد مراکز دوساله با در نظر گرفتن تعداد خوابگاه‌های مورد نیاز مشکلات زیادی را ایجاد می‌کرد در حالیکه مراکز تربیت معلم یکساله چون به صورت مراکز روزانه اداره می‌شد مشکل تامین خوابگاه و سایر تجهیزات شبانه‌روزی لازم را نداشت و نه تنها امکان برپا ساختن آن‌ها سهل‌تر و کم‌خرج‌تر بود بلکه تربیت معلم از این راه نیز سریع‌تر صورت می‌گرفت و راه حل مناسبی برای مقابله با بحران کمبود معلم به نظر می‌رسید (مشایخی، ۱۳۵۵ ص. ۵۲). به طور کلی کاهش زمان تحصیل در مراکز تربیت معلم و کاستن از هزینه‌های مصرفی آن، کوتاه شدن دوره تحصیل، مشکلات تامین خوابگاه و سایر تجهیزات شبانه‌روزی و نیاز به معلمان بیشتر را از جمله دلایل ایجاد مراکز تربیت معلم یکساله ذکر کرده اند (صافی، ۱۳۹۱ ص. ۲۷). بنابراین، اساسنامه مراکز تربیت معلم یکساله در سال ۱۳۳۸ به تصویب دولت وقت رسید و این مراکز از سال تحصیلی ۳۹-۴۰ تأسیس و فعالیت خود را آغاز کرد. هدف کلی از تربیت معلم یکساله، تربیت معلم برای دبستان‌های شهری و حتی روستایی کشور بود (مشایخی، ۱۳۵۵ ص. ۵۲).

کلاس‌های تربیت معلم یکساله، تنها از میان دارندگان دیپلم کامل متوسطه دانشجو می‌پذیرفت و این دانشجویان پس از یکسال آموزش می‌توانستند به عنوان معلم به استخدام آموزش و پرورش درآیند. شرایط ورود داوطلبان به آموزشگاه یکساله تربیت معلم دوره ابتدایی به قرار زیر بود: (۱) تابعیت ایران، (۲) سن کمتر از ۱۷ سال و بیشتر از ۳۰ (نباشد، ۳) داشتن گواهی صحت مزاج از کمیسیون مرکب از ۳ نفر پزشک که از طرف اداره فرهنگ انتخاب می‌شوند، و (۴) داشتن دیپلم کامل متوسطه (به نقل از خوی‌نژاد، ۱۳۵۵ ص. ۳۳).

#### برنامه درسی کلاس‌های یکساله تربیت معلم

| مواد درسی  | تعداد ساعات در هفته | تعداد کل ساعات تدریس |
|--|---------------------|----------------------|
| زبان فارسی و روش تدریس آن                          | ۷                   | ۲۲۴                  |
| ادبیات کودک و طرز تشکیل و اداره کتابخانه در دبستان | ۱                   | ۳۲                   |
| حساب و هندسه دبستانی و روش تدریس آن                | ۴                   | ۱۲۸                  |
| اصول آموزش و پرورش در دبستان                       | ۲                   | ۶۴                   |
| روانشناسی تربیتی (رشد و یادگیری)                   | ۲                   | ۶۴                   |
| علوم تجربی و بهداشت و روش تدریس آن                 | ۲                   | ۶۴                   |
| علوم اجتماعی و روش تدریس آن                        | ۳                   | ۹۶                   |
| تعلیمات دینی و قران و روش تدریس آن                 | ۲                   | ۶۴                   |
| بهداشت و کمک‌های نخستین                            | ۱                   | ۳۲                   |
| ورزش و بازی‌های کودکان                             | ۳                   | ۶۴                   |
| سرود و موسیقی دبستانی                              | ۱                   | ۳۲                   |
| تهیه و استفاده از مواد و وسایل آموزشی در تدریس     | ۱                   | ۳۲                   |
| کاردستی و نقاشی                                    | ۱                   | ۳۲                   |

|      |    |                             |
|------|----|-----------------------------|
| ۳۲   | ۱  | تعلیمات پیش‌آهنگی در دبستان |
| ۱۹۲  | ۶  | تمرین آموزگاری              |
| ۱۱۵۲ | ۳۶ | جمع ساعات تدریس             |

آنچه در برنامه درسی کلاس‌های یکساله تربیت معلم نسبت به مدل‌های قبلی برجسته و قابل تاکید می‌باشد، توجه به آشنایی با ادبیات کودک برای داوطلبان شغل معلمی و نیز تهیه و استفاده از مواد و وسایل آموزشی در تدریس است. گنجاندن این دو درس در مجموعه برنامه درسی کلاس‌های تربیت معلم نشان می‌دهد که در این دوره، سیاست‌گذاران تربیتی نسبت به برنامه‌ریزی درسی تربیت معلم دوره ابتدایی حساسیت‌های بیشتری داشته‌اند. درس تعلیمات پیش‌آهنگی، سرود و موسیقی، و ورزش و بازی‌های کودکان، از جمله عناوین درسی دیگری است که در کلاس‌های تربیت معلم یکساله بدان‌ها توجه شده است.

مدل تربیت معلم یکساله با وجود اینکه هزینه کمتری برای دولت داشت به شدت مورد انتقاد برخی از متخصصان تربیتی قرار گرفت. این مدل به دلیل شبانه‌روزی نبودن و نیز کوتاه شدن زمان آموزش و تربیت دانشجویان برای حرفه معلمی مورد نقد متخصصان تربیتی قرار داشت (صدیق، ۱۳۴۱ ص. ۱۰). با طرح سپاه دانش (۱۳۴۲)، مدل تربیت معلم یکساله به محاق رفته و پس از یکی دو سال به فراموشی سپرده شد.

## ۵- سپاه دانش

با تثبیت دولت پهلوی دوم در دهه ۴۰، موفقیت دولت در سرکوب مخالفان حکومت و بازگشت ثبات سیاسی نسبی به کشور، گشایش‌های مالی و افزایش توان اقتصادی دولت، و نیز حمایت‌های سیاسی اقتصادی دولت آمریکا از اقدامات پهلوی دوم، امکانی فراهم شد تا این دولت، در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و آموزشی به اقدامات گسترده‌ای بپردازد. این سیاست‌ها، با عنوان انقلاب شاه و ملت (۱۳۴۲) یا انقلاب سفید (اصول شش‌گانه) شهرت یافت (آبراهامیان، ۱۳۷۷/۱۹۸۲).

اصل ششم انقلاب سفید به بخش آموزش اختصاص داشت. در بخش آموزشی و تربیتی، توسعه سواد و گسترش آن به مناطق روستایی در دستور کار دولت و وزارت فرهنگ قرار گرفت. با وجود آنکه مدارس دولتی در سرتاسر کشور گسترش یافته بودند و شمار کودکان باسواد شهری در حال افزایش بود اما اغلب کودکان ساکن روستا از داشتن سواد بی بهره بودند و مدارس اندکی در روستاها برپا شده بود (مشایخی، ۱۳۵۵ ص. ۶۱). با درک این ضرورت، سپاه دانش بعنوان یکی از طرح‌های مبارزه با بیسوادی در مناطق روستایی و دورافتاده در دستور کار دولت قرار گرفت. به اعتقاد سیاست‌گذاران تربیتی دوران پهلوی، طرح سپاه دانش، مدلی موثر، کم‌خرج و تاحدودی آسان برای رفع کمبود معلم و مبارزه با بی سوادی بود (خانلری، ۱۳۴۲). از دیدگاه مجریان این طرح، سپاه دانش علاوه بر آنکه احتیاجات تعلیمات عمومی را مرتفع می‌ساخت مزایای دیگری نیز داشت: ۱) جمع‌کنندگی از فارغ‌التحصیلان دبیرستان که بیکار

هستند از طریق سپاه دانش، کار و ماموریتی میهن پرستانه و بشردوستانه پیدا خواهند کرد، ۲) در پایان دوره خدمت وظیفه امید می رود که بخش اعظم این افراد با درک ارزش و عظمت خدمتی که بر عهده داشته‌اند، شغل شریف معلمی را پیشه همیشگی خود سازند، ۳) سپاه دانش بعنوان یک طرح تربیتی، کم‌خرج‌تر از هر طرح و برنامه دیگری در این زمینه است (خانلری، ۱۳۴۲ ص. ۴۷). به این دلایل بود که طرح سپاه دانش در دستور کار دولت و وزارتخانه فرهنگ قرار گرفت.

در آذر ماه سال ۱۳۴۱، قانون تشکیل سپاه دانش با هشت ماده و چهار تبصره به تصویب هیات دولت رسید و از سال ۱۳۴۲ به مرحله اجرا گذاشته شد. مطابق این قانون، مشمولان دیپلمه‌ای که به خدمت نظام وظیفه فراخوانده می‌شدند در صورت تمایل می‌توانستند خدمت خود را در وزارت فرهنگ بگذرانند. تعداد این افراد بر اساس نیازی بود که وزارت فرهنگ به وزارت جنگ اعلام می‌کرد. مشمولین دیپلمه‌ای که جهت خدمت در سپاه دانش انتخاب می‌شدند برای طی دوره آموزش، به پادگان‌های ارتش اعزام می‌شدند و طی آموزش نظامی، تعلیمات معلمی را نیز فرامی‌گرفتند (وزارت فرهنگ، ۱۳۴۲).

برنامه درسی در سپاه دانش شامل آموزش‌های نظامی و فرهنگی بود (جدول ۵) که آموزش‌های نظامی توسط کادر نظامی در پادگان‌ها آموزش داده می‌شد و آموزش‌های فرهنگی توسط کادر وزارت فرهنگ، آموزش داده می‌شد (وزارت فرهنگ، ۱۳۴۲ ص. ۵۲).

#### برنامه درسی سپاه دانش (وزارت فرهنگ، ۱۳۴۲)

| ساعت  | مواد درسی                 | مواد درسی |
|-------|---------------------------|-----------|
| ۴ ماه | آموزش‌های نظامی           | نظامی     |
| ۴۲    | فارسی                     |           |
| ۲۸    | ریاضی                     |           |
| ۲۸    | علوم تجربی                |           |
| ۲۸    | علوم اجتماعی              | اصلی      |
| ۱۴    | علوم دینی                 |           |
| ۲۳    | علوم تربیتی               |           |
| ۳۳    | علوم روان‌شناسی           | فرهنگی    |
| ۱۹۶   | جمع                       |           |
| ۲۸    | آموزش حرفه‌ای و کشاورزی   |           |
| ۲۸    | بهداشت روستایی            |           |
| ۲۸    | اقتصاد روستایی و عمرانی   | فرعی      |
| ۵۶    | تربیت بدنی، سرود و موسیقی |           |
| ۱۴۰   | جمع                       |           |

در پایان دوران آموزشی، از داوطلبان امتحان نهایی گرفته می‌شد و کسانی که امتحان نهایی را با موفقیت پشت سر می‌گذاشتند با عنوان سپاهیان دانش به مناطق تعیین شده اعزام می‌شدند. سپاهیان دانش پس از اعزام به مناطق خدمت خود، به صورت شبانه‌روزی در محل خدمت خود بسر می‌بردند و در حقیقت عضو خانواده روستا شده و در انجام کلیه امور زندگی روستاییان همکاری و هماهنگی می‌کردند. آن‌ها موظف بودند علاوه بر آموزش اطفال، در مواقع لزوم به روستاییان در امور عمرانی کشاورزی و اجتماعی نیز کمک کنند. برای اینکه در کار سپاهیان دانش نظارت مداوم شود از لیسانسیه‌های دانشسرای عالی که هر کدام پنج سال سابقه خدمت داشته و رشته تعلیمات ابتدایی را طی کرده‌اند انتخاب شده تا وظیفه راهنمایی سپاهیان دانش را بعهده بگیرند (وزارت فرهنگ، ۱۳۴۲ ص. ۱۸).

افرادی که خدمت خود را در سپاه دانش به پایان می‌رساندند و حسن خدمت آنان مورد گواهی وزارت فرهنگ قرار می‌گرفت چنانچه داوطلب آموزگاری بودند همچون فارغ‌التحصیلان دوره تربیت معلم به حساب آمده و می‌توانستند به استخدام وزارتخانه فرهنگ درآیند (وزارت فرهنگ، ۱۳۴۲ ص. ۱۷۹). به این ترتیب، تا اواخر دوره پهلوی، بسیاری از معلمان روستایی و مناطق دور افتاده شهری از طریق سپاه دانش تامین می‌شد.

اگر چه مدل تربیت معلم دانشسراهای مقدماتی شکل پذیرفته شده و مورد قبول سیاست‌گذاران و متخصصان تربیتی بود اما به دلیل کمبود معلم در مناطق روستایی و دور افتاده، تامین و آموزش معلم از طریق سپاه دانش تا پایان دولت پهلوی ادامه یافت. دولت و سیاست‌گذاران آموزشی توانستند از طریق سپاه دانش و به کارگیری دیپلمه‌های وظیفه، بخش زیادی از معلمان مورد نیاز مناطق روستایی و دور افتاده را تامین کنند.

## ۶- مراکز تربیت معلم

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، در ایدئولوژی حاکمیتی اداره کشور تحولی اساسی رخ داد. ایدئولوژی تربیت رسمی ناسیونالیستی متمایل به غرب به گفتمان اسلامی مخالف غرب تبدیل شد. یکی از مهمترین نهادهایی که به شدت تحت تاثیر وقوع انقلاب اسلامی قرار گرفت، نظام تربیت معلم بود. از نظر انقلابیون «یک انقلابی در جامعه شده است و یک سری معیارهایی که جامعه قبول ندارد کنار زده شده است و یک سری معیارهای جدید جایش آمده است. تنها گروهی که رسالت این انقلاب را می‌توانند بدوش بکشند و از متن جامعه بگیرند فرموله کنند و بعد به جامعه برگردانند همین‌هایی هستند که ما به آن‌ها معلم می‌گوییم» (رجایی، ۱۳۶۱ ص. ۸). بر این اساس، یکی از اولین نهادهایی که بایستی متناسب با شعارها و معیارهای انقلابی سازماندهی می‌شد، نظام تربیت معلم بود. در اوایل دهه ۱۳۶۰، دانشسراهای تربیت معلم دوره پهلوی منحل شدند و طرح جدیدی با عنوان مراکز تربیت معلم طراحی و اجرا شد. بدین ترتیب با وقوع انقلاب اسلامی، تحولی اساسی در پذیرش دانشجو و برنامه‌های درسی تربیت معلم و نیز شیوه اداره

و مدیریت مراکز تربیت معلم بر اساس معیارها و مبانی انقلاب اسلامی صورت گرفت. پس از تصویب و برپایی مراکز تربیت معلم کاردانی (۱۳۶۲) و دانشسراهای تربیت معلم دو ساله و چهار ساله (۱۳۶۵)، مراکز تربیت معلم بار دیگر افزایش یافت و به دلیل رشد سریع جمعیت و پیش‌بینی افزایش جمعیت دانش‌آموزی در سال‌های آتی و نیاز شدید به معلمان در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱، همه ساله بر تعداد دانشجو معلمان و مراکز تربیت معلم افزوده شد (آقازاده، ۱۳۸۳).

در سال ۱۳۶۲، اساسنامه مراکز تربیت معلم به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید اما با توجه به شرایط خاص کشور و کمبودهایی که از لحاظ نیروی انسانی بخصوص در مناطق محروم و روستایی وجود داشت، نیاز به برپایی مراکزی دیگر کاملاً محسوس بود. از این رو، برای تأمین نیروی انسانی مناطق محروم، طرح دانشسرای دو ساله و چهار ساله (۱۳۶۴ و ۱۳۶۵) نیز به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و به موجب این طرح، فارغ‌التحصیلان سوم راهنمایی مناطق روستایی به دانشسراهای چهارساله راه می‌یافتند و پس از چهار سال تحصیل با اخذ مدرک دیپلم کامل برای خدمت در مناطق روستایی به استخدام آموزش و پرورش در می‌آمدند. دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم متوسطه نیز می‌توانستند در دانشسراهای دو ساله تربیت معلم ثبت نام کنند و پس از دو سال تحصیل و گرفتن دیپلم کامل متوسطه به استخدام آموزش و پرورش در آیند. بنابراین پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۵ دو نوع مرکز تربیت معلم وجود داشت: (۱) مراکز تربیت معلم فوق دیپلم (۲) دانشسراهای تربیت معلم دو و چهار ساله در سطح دیپلم.

در اساسنامه تاسیس مراکز تربیت معلم، هدف از تاسیس مراکز تربیت معلم این چنین بیان شده است: مراکز تربیت معلم به منظور تربیت معلمان صالح، ذی فن، آگاه و معتقد به ولایت فقیه جهت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش در دوره‌های قبل از دبستان، دبستان و راهنمایی تحصیلی سراسر کشور تاسیس می‌شوند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). مطابق با اساسنامه مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۲، داوطلبان ورود به مراکز تربیت معلم کاردانی باید دارای شرایط زیر باشند: (۱) تابعیت دولت جمهوری اسلامی، (۲) مسلمان و معتقد به ملتزم به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۳) دارای گواهینامه پایان تحصیلات متوسطه، (۴) داشتن حداقل ۱۷ و حداکثر ۲۲ سال سن، (۵) صحت مزاج و سلامت تن و روان و ارایه گواهی از کمیسیون پزشکی استان در محدوده ضوابط، (۶) قبولی در امتحانات ورودی و صلاحیت اخلاقی و اعتقادی مناسب با شئون معلمی در نظام جمهوری اسلامی ایران (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۶۲).

برنامه درسی مراکز تربیت معلم، بعد از انقلاب اسلامی تحولات اساسی یافت. برنامه‌های درسی مراکز تربیت معلم در دروس عمومی اختصاصی و انتخابی مورد تجدید نظر قرار گرفت و ساعات بیشتری از دروس عمومی به معارف اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی اختصاص یافت (صافی، ۱۳۹۱، ص. ۴۱).

سیاست‌گذاران تربیتی بر اساس شرایط انقلابی و جهان‌بینی اسلامی، دروس اسلامی بیشتری را در برنامه درسی تربیت معلم گنجانده‌اند و حساسیت‌های ویژه‌ای نیز نسبت به تربیت دینی داوطلبان شغل معلمی اعمال می‌داشتند.

جدول ۶. برنامه درسی مراکز تربیت معلم در دوره کاردانی (صافی، ۱۳۹۱)

| ساعات هفتگی |            |            |            | نام درس  |
|-------------|------------|------------|------------|--|
| سال اول     |            | سال دوم    |            |  |
| نیمسال اول  | نیمسال دوم | نیمسال اول | نیمسال دوم |  |
| -           | -          | ۴          | ۴          | مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و اخلاق                 |
| ۲           | ۲          | ۲          | ۲          | فن معلمی   |
| -           | -          | ۲          | ۲          | شیوه‌های ارزشیابی                                  |
| -           | -          | ۲          | ۲          | کاربرد مواد آموزشی                                 |
| ۲           | ۲          | -          | -          | بهداشت و تغذیه                                     |
| -           | -          | -          | ۲          | روخوانی قرآن و آشنایی با قرآن                      |
| -           | -          | ۲          | -          | احکام  |
| ۲           | ۲          | ۴          | ۴          | جهان‌بینی اسلامی و مبانی اخلاق                     |
| ۲           | ۲          | -          | -          | نهج‌البلاغه و حدیث                                 |
| ۲           | ۲          | -          | -          | تاریخ تحلیلی اسلام و سیر تفکر جدید در ایران و جهان |
| ۴           | ۴          | ۲          | ۲          | زبان عربی (با تمرین در متون قرآنی و حدیث)          |
| -           | -          | ۲          | ۲          | ادبیات فارسی و آیین نگارش                          |
| ۱۸          | ۱۸         | ۱۸         | ۱۸         | جمع  |

مدل مراکز تربیت معلم، شیوه غالب تربیت معلم در دهه شصت در ایران بود. وزارت آموزش و پرورش از طریق مراکز تربیت معلم توانست معلمان زیادی را بر اساس ایدئولوژی اسلامی و انقلابی تربیت نماید. معلمان این مراکز نقش زیادی در اشاعه و گسترش فرهنگ انقلابی و اسلامی در مدارس بعد از انقلاب داشتند.

## ۷- دانشگاه فرهنگیان

دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ را می‌توان دوره فترت نظام تربیت معلم در ایران قلمداد کرد. وزارت آموزش و پرورش غالباً نیروهای خود را از طریق آموزشیاران نهضت سوادآموزی، سرباز معلمان، معلمان حق‌التدریس، حق‌التدریس معلمان شاغل، معلمان بازنشسته، و استخدام فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها با گذراندن دوره‌های

آموزشی کوتاه مدت تأمین می‌کرد و استخدام معلم از طریق مراکز تربیت معلم محدود و به شدت کاهش یافت (صافی، ۱۳۹۱ ص. ۶۰). دو دهه رکود و فترت در فعالیت مراکز تربیت معلم و نیاز آموزش و پرورش به معلم، سیاست‌گذاران تربیتی را بر آن داشت که امر تربیت معلم را در قالب دانشگاه فرهنگیان پیگیری نمایند. علاوه بر این، نیازهای آموزشی و ضرورت‌های سیاسی نیز در شکل‌گیری دانشگاه فرهنگیان نقش داشتند. در زمینه آموزشی، معلمانی که در دهه شصت به استخدام آموزش و پرورش در آمده بودند در آستانه بازنشستگی قرار داشته و شمار بازنشستگان هر ساله رو به افزایش بود و در اوایل دهه ۱۴۰۰، آموزش و پرورش را با کمبود شدید نیرو رو به رو می‌ساخت. در دهه هفتاد و هشتاد اقدام موثری در جهت تربیت معلم انجام نشده بود و بیشتر مراکز تربیت معلم یا تعطیل شده بودند و یا در معرض تعطیلی قرار داشتند. در عرصه سیاسی نیز حاکمیت سیاسی، حساسیت‌های فرهنگی و تربیتی ویژه‌ای در ارتباط با تربیت معلم در تراز جمهوری اسلامی داشت. بروز این ضرورت‌های تربیتی، اجتماعی و سیاسی منجر به تاسیس دانشگاه فرهنگیان در سال ۱۳۹۰ شد. بدین منظور، شورای انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۰، برنامه و نقشه راهی با عنوان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را تدوین و طراحی نمود. در این سند، دانشگاه فرهنگیان تنها نهاد رسمی و انحصاری تربیت معلم به رسمیت شناخته شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ الف). بر این اساس، دانشگاه فرهنگیان در سال ۱۳۹۱ از تجمیع همه مراکز و دانشسراهای تربیت معلم سابق تشکیل شد. امروزه دانشگاه فرهنگیان تنها متولی امر تربیت معلم در نظام تعلیم و تربیت به حساب می‌آید و در تمام مراکز استان‌ها، پردیس‌های دانشگاهی دارد. این دانشگاه بعنوان دانشگاهی وابسته به آموزش و پرورش، فعالیت‌های خود را تحت نظارت وزارت علوم تحقیقات و فناوری انجام می‌دهد. ماموریت اصلی دانشگاه فرهنگیان، تربیت معلم و سایر نیروهای آموزش و پرورش بر اساس معیارهای نظام جمهوری اسلامی عنوان شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ ب).

در اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، تمام فرایند تربیت معلم در انحصار دانشگاه فرهنگیان قرار گرفته و این دانشگاه موظف شده است تمام نیروهای وزارت آموزش و پرورش را آموزش دهد و تربیت کند. این دانشگاه، علاوه بر تربیت معلم دوره ابتدایی موظف است دبیران دوره متوسطه و نیروهای اداری و اجرایی مدارس و وزارتخانه آموزش و پرورش را تأمین نماید. مطابق با اساسنامه دانشگاه، تمام نیروهایی که به استخدام آموزش و پرورش در می‌آیند بایستی از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه باشند. پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان به دو شکل صورت می‌پذیرد. ۱) پذیرش دانشجو از طریق آزمون سراسری. در این شیوه پذیرش، دانشجو معلمان از بین پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری و پس از تایید صلاحیت عمومی و تخصصی و اعتقادی آنان توسط وزارت آموزش و پرورش صورت می‌پذیرد. ۲) پذیرش دانشجو از طریق فراخوان استخدامی. بر اساس ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، وزارت آموزش و پرورش می‌تواند بخشی از نیازهای خاص خود را در رشته‌هایی که امکان توسعه آن از طریق دانشگاه

وجود ندارد مطابق با ضوابط و مقررات وزارت آموزش و پرورش از میان دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور و حوزه‌های علمیه مشروط به گذراندن دوره یکساله در دانشگاه فرهنگیان تامین نماید. شیوه غالب پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان، به شکل چهارساله و شبانه‌روزی از طریق آزمون سراسری پیش‌بینی شده است.

در دانشگاه فرهنگیان برای ۱۶ گرایش کارشناسی، برنامه درسی تدوین و طراحی شده است. یکی از مهمترین گرایش‌ها با بیشترین پذیرش دانشجو، رشته علوم تربیتی گرایش آموزش دوره ابتدایی است. دانشجو معلمان این رشته تحصیلی، برای معلمی در مدارس دوره ابتدایی آموزش داده می‌شوند. برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان برای دانشجو معلمان علوم تربیتی گرایش آموزش دوره ابتدایی را می‌توان در چهار حوزه دروس معارف و تربیت اسلامی، علوم تربیتی، علوم تخصصی و تخصصی - تربیتی تقسیم‌بندی کرد (معاونت آموزشی و تکمیلی دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۵).

#### برنامه درسی رشته علوم تربیتی گرایش آموزش دوره ابتدایی

| نوع درس      | نیمسال تحصیلی      |                       |                       |                        |                          |                   |                     |                                    |      |      |     |
|--------------|--------------------|-----------------------|-----------------------|------------------------|--------------------------|-------------------|---------------------|------------------------------------|------|------|-----|
|              | اول                | دوم                   | سوم                   | واحد                   | دوم                      | چهارم             | پنجم                | ششم                                | هفتم | هشتم | نهم |
| معارف اسلامی | آیین زندگی<br>۱ن   | اندیشه اسلامی ۱<br>۲ن | اندیشه اسلامی ۲<br>۲ن | دانش خانواده<br>۲ن     | انقلاب اسلامی<br>۲ن      | تاریخ اسلام<br>۲ن | تفسیر قرآن<br>۲ن    | تاریخ فرهنگ و تمدن<br>اسلامی<br>۲ن | -    | -    | -   |
| عمومی        | تربیت بدنی ۱<br>۱ع | تربیت بدنی ۲<br>۱ع    | زبان فارسی<br>۲ن      | زبان انگلیسی<br>۲ن     | بهداشت و سلامت<br>۱ع     | نگارش علمی<br>۱ع  | -                   | -                                  | -    | -    | -   |
| تربیت اسلامی | -                  | -                     | فلسفه تربیت<br>۳ن     | فلسفه تربیت رسمی<br>۳ن | اسناد و قوانین ا.پ<br>۲ن | -                 | اخلاق حرفه‌ای<br>۳ن | نقش اجتماعی معلم<br>۲ن             | -    | -    | -   |



|                 |                 |                        |   |                        |                           |
|-----------------|-----------------|------------------------|---|------------------------|---------------------------|
| ۱۶              | -               | -                      | ۲ | ک                      | ع ۲                       |
| ۱۹              | کارگاه هنر      | زبان تخصصی             | ۲ | آموزش تربیت بدنی       | برنامه ریزی درسی چند پایه |
| ۲۰              | آموزش و پرورش   | مبانی آموزش تربیت بدنی | ۲ | آموزش تربیت اجتماعی    | اختلالات یادگیری ۲        |
| ۲۰              | -               | -                      | ۲ | مبانی آموزش اجتماعی    | روش تحقیق                 |
| ۲۰              | -               | -                      | ۲ | آموزش ریاضی            | اختلالات یادگیری ۱        |
| ۱۸              | -               | -                      | - | کارگاه آموزش هنر       | آموزش فارسی ۲             |
| ۱۹              | -               | -                      | ۱ | آموزش فارسی ۱          | روان شناسی رشد            |
| ۱۸              | مبانی آموزش هنر | مبانی آموزش علوم تجربی | ۲ | مبانی آموزش زبان فارسی | اصول و مبانی اب           |
| <b>جمع واحد</b> |                 |                        |   |                        |                           |

همانطور که از برنامه درسی رشته علوم تربیتی گرایش آموزش دوره ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مشخص است، برنامه درسی برای چهار سال تحصیلی تهیه و طراحی شده است. برنامه‌نویسان با حساسیت بیشتری به طراحی و تدوین برنامه درسی دوره ابتدایی پرداخته‌اند. دروس معارف و تربیت اسلامی؛ عمومی؛ تربیتی؛ تربیتی تخصصی؛ تخصصی و کارورزی از یکدیگر تفکیک شده است و دروس بر اساس پیش‌نیاز یا هم‌نیاز

طراحی و تدوین شده‌اند. با سیری اجمالی در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان می‌توان به وسعت و گستردگی آن نسبت به برنامه‌های درسی پیشین تربیت معلم پی برد. برنامه‌ریزان درسی دانشگاه فرهنگیان تلاش کرده‌اند تا برنامه درسی دانشگاه را متناسب با نظر متخصصان تربیتی، مقتضیات اجتماعی، ضرورت‌های تربیتی، و حساسیت‌های سیاسی تهیه و تدوین نمایند.

### نتیجه‌گیری

بیش از صد سال از نظام تربیت رسمی معلم در ایران می‌گذرد و در این مدت، مدل‌های مختلفی از تربیت معلم طراحی و اجرا شده است. برخی از این مدل‌ها همچون کلاس‌های کمک آموزشی (۱۳۲۲) و تربیت معلم یکساله (۱۳۳۸) به صورت کوتاه مدت به اجرا درآمده و پایان یافتند اما می‌توان از آن‌ها به عنوان مدل‌هایی یاد کرد که به اقتضای ضرورت‌ها و نیازهای فوری، از سوی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تربیتی آن زمان مطرح شدند و شیوه پذیرش دانشجو و برنامه درسی متفاوتی داشتند اما به دلیل آنکه شرایط سیاسی اقتصادی و اجتماعی در جهت ادامه فعالیت این مدل‌ها مناسب نبود، تداوم زیادی نیافته و جای خود را به مدل‌های دیگری از تربیت معلم دادند. برخی از مدل‌ها همچون دانشسراهای مقدماتی (۱۳۱۲) و سپاه دانش (۱۳۴۲) به شکلی گسترده و برای مدت زمان بیشتری، شیوه غالب تربیت معلم دوره ابتدایی به شمار می‌آمدند. این مدل‌ها هم از سوی دولت‌های وقت و حاکمیت سیاسی مورد حمایت قرار گرفتند و هم شرایط اجتماعی و اقتصادی برای ادامه حیات آن‌ها مناسب بود. بعد از انقلاب اسلامی هم، به تناسب شرایط انقلابی، سیاسی و فرهنگی جامعه، تغییرات گسترده و عمیقی در نظام تربیت معلم اتفاق افتاد و برنامه‌های درسی و شیوه پذیرش دانشجو متحول گردید. البته پس از رخداد انقلاب اسلامی، یکی دو سال مراکز تربیت معلم تعطیل و منحل شدند تا سیاست‌گذاران تربیتی وقت، بر اساس ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به بازتعریف و بازسازی نظام تربیت معلم بپردازند. در سال ۱۳۶۲ بود که مراکز تربیت معلم بر اساس اساسنامه جدید بازگشایی شدند. بعد از دوره طلایی تربیت معلم دهه شصت با ورود به دهه هفتاد و هشتاد نظام تربیت معلم وارد دوره فترت خود شد و بدین ترتیب مراکز تربیت معلم یا تعطیل شدند و یا این که به شکل بسیار محدود به حیات خود ادامه دادند. با تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و فرا رسیدن زمان بازنشستگی معلمانی که در دهه شصت به استخدام نظام تعلیم و تربیت درآمده بودند، ضرورت تاسیس دانشگاه فرهنگیان بیش از پیش احساس شد.

این مقاله در صدد آشکار ساختن این واقعیت بوده است که نظام تربیت معلم، نظامی مستقل از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع نیست و تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به شدت بر نظام تربیت معلم اثر می‌گذارند. نظام اعتقادی دولت‌ها، آرایش نیروهای اجتماعی سیاسی، ضرورت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی، توانایی و نفوذ متخصصان تربیتی در نظام‌های سیاسی و تربیتی، و نیز اوضاع اقتصادی و شرایط اجتماعی، عواملی هستند که نظام تربیت معلم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در همین

راستا، شیوه و شرایط پذیرش دانشجو هم به تناسب موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و آموزشی تغییر یافته و متحول می‌شود. در ابتدای برپایی نظام تربیت معلم به دلیل کمبود فارغ‌التحصیلان مدارس متوسطه، پذیرش دانشجو از میان فارغ‌التحصیلان دوره ابتدایی صورت می‌گرفت اما با گسترش مدارس متوسطه و افزایش فارغ‌التحصیلان این دوره، پذیرش دانشجو از این گروه بوده است. با گسترش مدارس و لزوم تعمیم سواد عمومی در توده‌های مردم، از داوطلبان دیپلمه نظام وظیفه نیز برای ایفای نقش معلمی استفاده شده است. در مجموع، شرایط پذیرش دانشجو از ابتدا تا کنون تغییر و تحولات زیادی یافته است. از شرط سنی و شرایط بهداشت روانی و جسمانی مناسب و داشتن مدارک تحصیلی دوره ابتدایی و متوسطه تا تعهد خدمت در نظام تعلیم و تربیت و گزینش‌های عقیدتی، تخصصی و بومی‌گزینی شرایطی بوده‌اند که در نظام تربیت معلم برای پذیرش دانشجو پیش‌بینی و اجرا شده است.

#### شیوه و شرایط پذیرش دانشجو در مدل‌های مختلف تربیت معلم در ایران

| مدل تربیت معلم   | شرایط پذیرش دانشجو  |
|------------------|---|
|                  | <ol style="list-style-type: none"> <li>۱- داوطلبان نباید از ۱۵ سال کمتر و از بیست سال بیشتر داشته باشند.</li> <li>۲- محصلین نباید دارای امراض مسریه بوده و جدیداً تلقیح شده باشد.</li> <li>۳- داوطلبان دخول در دارالمعلمین باید تصدیق بر حسن اخلاق از مدرسه‌ای که در آنجا تحصیل کرده‌اند، داشته باشند.</li> <li>۴- تصدیق‌نامه رسمی دوره ابتدایی برای داوطلبان معلمی ابتدایی و داشتن معلومات دوره اول متوسطه برای داوطلبان معلمی مدارس متوسطه شرط خواهد بود.</li> <li>۵- داوطلبان باید در امتحان مسابقه دخولیه (کنکور) قبول بشوند.</li> <li>۶- هر محصلی باید تعهدنامه به امضای خود و ولی خود یا معرفی به وزارت معارف بسپارد که پس از اتمام تحصیل تا پنج سال موظف است در مدرسی که وزارت معارف معین می‌کند تدریس نماید و چنانچه بخواهد خدمت خارجی در ظرف این مدت قبول نماید باید با اجازه کتبی وزارت معارف باشد در صورت تخلف باید محصل مخارج مدت تحصیل خود را از قرار سالی بیست و پنج تومان به وزارت معارف بپردازد.</li> </ol> |
| دارالمعلمین      |   |
|                  | <ol style="list-style-type: none"> <li>۱- تصدیق‌نامه رسمی سه ساله اول متوسطه</li> <li>۲- حداقل ۱۶ سال و حداکثر ۲۱ سال</li> <li>۳- تصدیق حسن اخلاق از مدرسه‌ای که قبلاً در آنجا بوده‌اند.</li> <li>۴- تصدیق صحت مزاج از کمیسیون مرکب از سه نفر طبیب به انتخاب وزیر معارف.</li> <li>۵- سپردن تعهدنامه با تصدیق ولی خود دایر بر رعایت قانون تربیت معلم و نظامنامه اجرای آن قانون و نظامات داخلی دانشسرا.</li> </ol>  |
| دانشسرای مقدماتی |   |

|   |   |
|---|---|
| <p>۱- داشتن گواهینامه شش ساله ابتدایی یا سه ساله اول متوسطه</p> <p>۲- تصدیق‌نامه حسن اخلاق از آموزشگاهی که قبلاً در آن تحصیل کرده بودند</p> <p>۳- دارای گواهینامه صحت مزاج و عدم ابتلا به امراض مسریه</p> <p>۴- داشتن حداقل سن ۱۶ سال برای ورود به کلاس اول و ۱۷ سال برای ورود به کلاس دوم.</p> | <p><b>کلاس‌های کمک<br/>آموزگاری</b></p> |
|---|---|

|  |                               |
|--|-------------------------------|
| <p>۱- تابعیت ایران</p> <p>۲- سن کمتر از ۱۷ سال و بیشتر از ۳۰ نباشد.</p> <p>۳- داشتن گواهی صحت مزاج از کمیسیون مرکب از سه نفر پزشک که از طرف اداره فرهنگ انتخاب می‌شوند با توجه به مراتب زیر ۱- داوطلب عاری از امراض مسری باشد ۲- دارا بودن بینایی و شنوایی کامل و نداشتن نقائص بدنی و لکنت زبان و عوارض دیگر که مانع انجام وظایف آموزگاری باشد</p> <p>۴- داشتن دیپلم کامل متوسطه</p> | <p><b>کلاس‌های یکساله</b></p> |
|--|-------------------------------|

|   |                         |
|---|-------------------------|
| <p>۱- مشمولین دیپلمه‌ای که جهت خدمت در سپاه دانش اخذ می‌شوند برای طی دوره آموزش به مراکز آموزش ارتش اعزام می‌گردند.</p> | <p><b>سپاه دانش</b></p> |
|---|-------------------------|

|   |  |
|---|--|
| <p>۱- تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران.</p> <p>۲- مسلمان و معتقد و ملتزم به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.</p> <p>۳- داشتن گواهینامه پایان تحصیلات متوسطه.</p> <p>۴- داشتن حداقل ۱۷ و حداکثر ۲۲ سال سن.</p> <p>۵- صحت مزاج و سلامت تن و روان و ارایه گواهی از کمیسیون پزشکی استان در محدوده ضوابط.</p> <p>۶- قبولی در امتحانات ورودی و صلاحیت اخلاقی و اعتقادی مناسب با شئون معلمی در نظام جمهوری اسلامی.</p> | <p><b>مراکز تربیت معلم<br/>کاردانی</b></p> |
|---|--|

|   |                                |
|---|--------------------------------|
| <p>۱- داشتن دیپلم متوسطه</p> <p>۲- قبولی در آزمون سراسری</p> <p>۳- گزینش و مصاحبه بر اساس صلاحیت‌های جسمانی، تخصصی، عمومی و اعتقادی</p> | <p><b>دانشگاه فرهنگیان</b></p> |
|---|--------------------------------|

برنامه‌های درسی تربیت معلم نیز متناسب با شرایط اجتماعی، سیاسی و آموزشی تغییر یافته است. اولین مرکز تربیت معلم با هدف تربیت تخصصی معلم تاسیس شد و علاوه بر دروس قدیم و جدید، برای اولین بار علوم تربیتی و دروس علمی و عملی تدریس به داوطلبان شغل معلمی آموزش داده می‌شد. برنامه‌ریزان درسی دارالمعلمین با ارائه دروس عملی و علمی تدریس و روان‌شناسی و علوم تربیتی تلاش می‌کردند تا

تمایز و تفاوت این مرکز آموزشی را با دیگر مراکز آموزش عالی آن دوران چون دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی نشان دهند. در دانشسراهای مقدماتی تربیت معلم، علاوه بر دروس تخصصی معلمی بر دروس عمومی چون آموزش زبان فارسی و تاریخ و جغرافیای ایران و تربیت بدنی و پیش‌آهنگی نیز توجهی ویژه شده است. برنامه‌ریزان تربیت معلم در دوره پهلوی متناسب با ایدئولوژی حکومتی و حاکمیتی دولت به دنبال تربیت معلمی مهین‌پرست و ملی‌گرا بودند و این هدف را از طریق گنجاندن دروسی در برنامه درسی تربیت معلم محقق می‌ساختند که هویت ملی و میهنی را تقویت می‌کرد. مدل‌های دیگری چون تربیت معلم یک ساله و کمک‌آموزگاری، بیشتر با هدف افزایش تعداد معلمان و کاهش دوره آموزش معلم طراحی و اجرا شد و برنامه درسی این مراکز نشان می‌دهد که آموزش دروس تربیتی و تخصصی چون شیوه تدریس و آموزش به دانشجویان بیشتر از دروس عمومی اولویت داشته است. در مدل سپاه دانش، مشمولان دیپلمه خدمت سربازی که علاقه‌مند به شغل معلمی بودند می‌توانستند پس از گذراندن برخی دروس تخصصی چون شیوه آموزش و تربیت، دوران سربازی خود را به عنوان معلم در روستاها و مناطق دورافتاده سپری کنند. به این گروه از معلمان، علاوه بر آموزش‌های نظامی و معلمی، شیوه عمران و آبادانی و نیز اداره روستا آموزش داده می‌شد تا بعنوان نماینده دولت، علاوه بر تربیت کودکان روستایی و متناسب با نظام عقیدتی حاکم به دنبال پیاده ساختن برنامه‌های دولت در روستاها و مناطق دوردست باشند. پس از انقلاب اسلامی، تحولاتی اساسی در برنامه درسی مراکز تربیت معلم رخ داد و تربیت علمی و عملی دینی در اولویت برنامه‌ریزان تربیت معلم قرار گرفت. بنابراین، دروس دینی و آموزش‌های مذهبی ساعات بیشتری از برنامه درسی مراکز تربیت معلم را به خود اختصاص داد. با طرح دانشگاه فرهنگیان در سند تحول بنیادین، مراکز تربیت معلم پیشین احیا شده و در قالب دانشگاه فرهنگیان فعالیت‌های خود را از سر گرفتند. برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان نیز متناسب با ضرورت‌های تربیتی و آموزشی، مقتضیات اجتماعی و حساسیت‌های سیاسی و حاکمیتی، تحولاتی اساسی یافت. دروس دانشگاه به شکل ترمی برنامه‌ریزی شد و واحدهای درسی افزایش یافت و تلاش شد تا برنامه‌های درسی با مشارکت دانشگاه‌های تخصصی و علوم تربیتی مطرح و نیز حوزه‌های علمیه باز تعریف و بازنویسی شوند.

#### منابع

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*، (ا. گل‌محمدی و م. ا. فتاحی، ترجمه)، نشر نی. (چاپ اصلی ۱۹۸۲).
- آقازاده، احمد. (۱۳۸۳). *مسائل آموزش و پرورش ایران*، انتشارات سمت.
- التون، جفری رودلف. (۱۳۸۶). *شیوه تاریخ‌نگاری*، (م. اتحادیه، ترجمه). نشر تاریخ ایران. (چاپ اصلی ۱۹۳۱).
- خانلری، پرویز. (۱۳۴۲). *سپاه دانش در ایران*، از کتاب سالگرد سپاه دانش، نشر سپاه دانش.
- خوی‌نژاد، غلامرضا. (۱۳۵۵). *سیر تحول و گسترش تربیت معلم در ایران*، دانشسرای راهنمایی تحصیلی مشهد.

- رجایی، محمد علی. (۱۳۶۱). *تربیت معلم، جهاد دانشگاهی تربیت معلم*.
- ساعی، علی. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات سمت*.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان، الهه حجازی. (۱۳۹۸). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه*.
- سیاسی، علی اکبر. (۱۳۸۶). *گزارش یک زندگی، شرکت انتشارات اختران*.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰ الف). *سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی*.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰ ب). *اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی*.
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۶۲). *اساسنامه مراکز تربیت معلم، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش*.
- صافی، احمد. (۱۳۹۱). *تربیت معلم در ایران ژاپن مالزی المان انگلیس هند و پاکستان، نشر ویرایش*.
- صافی، احمد. (۱۳۸۲). *تربیت و تامین معلم در ایران، (گذشته، حال آینده). فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۸ و ۱۹ (۴)، ۱۱-۱۴*.
- صدیق، عیسی. (۱۳۴۰). *یادگار عمر، سازمان سمعی و بصری*.
- صدیق، عیسی. (۱۳۴۱). *سازندگان واقعی ملت لزوم ایجاد دانشسراها برای تربیت معلم، تهران: انتشارات یغما*.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۴). *تاریخ فرهنگ ایران، چاپ زیبا*.
- گروه‌های آموزش‌های عمومی و حرفه‌ای. (۱۳۵۴). *بررسی وضع تربیت معلم دوره ابتدایی (دانشسرای مقدماتی و دانشسرای عشایری)، موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی*.
- ماتی، رودی. (۱۳۸۳). *آموزش و پرورش در دوره رضا شاه، از کتاب رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین جمع‌آوری استفانی کرونین، (م. ثاقب‌فر، ترجمه). جامی. (چاپ اصلی ۱۹۹۹)*.
- مجلس شورای ملی. (۱۲۹۰). *قانون اساسی فرهنگ، مصوبات مجلس شورای ملی، مرکز اسناد کتابخانه ملی*.
- مشایخی محمد. (۱۳۵۵). *تاریخ تربیت معلم، انتشارات امیر کبیر*.
- معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان. (۱۳۹۵). *طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت معلم، مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه فرهنگیان*.
- وزارت فرهنگ. (۱۳۱۲). *قانون تربیت معلم، مجله آموزش و پرورش، ۴ (۱)، ۵۵-۵۸*.
- وزارت فرهنگ. (۱۳۲۲). *اساسنامه کلاس‌های کمک آموزشی، مجله آموزش و پرورش، ۱۳ (۱-۳)، ۱۰۶-۱۰۹*.
- وزارت فرهنگ. (۱۳۳۸). *اساسنامه کلاس‌های یکساله تربیت معلم، مجله آموزش و پرورش، ۳۱ (۱)، ۶۷-۶۸*.
- وزارت فرهنگ. (۱۳۴۲). *اساسنامه سپاه دانش، از کتاب سالگرد سپاه دانش، انتشارات سپاه دانش*.
- وزارت فرهنگ. (۱۳۴۲). *سالگرد سپاه دانش، انتشارات سپاه دانش*.
- وزارت معارف و اوقاف. (۱۲۹۷). *اساسنامه دارالمعلمین، مرکز اسناد کتابخانه ملی. سند شماره ۲۹۷*.
- یغمایی، اقبال. (۱۳۷۵). *وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، مرکز نشر دانشگاهی*.
- Scott, j. (1990). *A Matter of Record-Documentary Sources in Social Research*, Polity.